

## یادداشت مترجم

حقوق محیط‌زیست از شاخه‌های جوان علم حقوق است. رویش این شاخه از علم حقوق در دهه ۱۹۷۰ میلادی، و به طور خاص پس از کنفرانس استکهلم (۱۹۷۲) آغاز شد. رشد پرشتاب این شاخه از حقوق، نشان‌دهنده زیاد بودن شمار اسناد حقوقی مربوط به محیط‌زیست است که این نیز به نوبه خود نشان‌دهنده اهمیت یافتن محیط‌زیست در جهان کنونی است. شوربختانه اهمیتی که محیط‌زیست در جهان امروز پیدا کرده پیامد تخریب و نابودی آن است که از یکی دو سده پیش، با انقلاب علمی و صنعتی و رشد روزافزون جمعیت آغاز شد، و روزبه‌روز، با سرعت بیشتری گسترش یافت. این روند در سده بیستم سویه‌های دیگری به خود گرفت، و عواملی نظیر جنگ‌های بزرگ، پیشرفت‌های شگفت‌انگیز بشر در تولید سلاح‌های ویرانگر و کشتار همگانی، و توانمند شدن او برای ایجاد تغییرات بزرگ در تنها کره مسکون هستی، و همچنین چیرگی اش بر بسیاری از بیماری‌های پیش‌ترگشده که چند برابر شدن یکباره جمعیت زمین را به دنبال داشته، فشار انسان و جامعه‌های انسانی را بر طبیعت و محیط‌زیست به گونه بی‌سابقه‌ای افزایش داده است. از این رو، محیط‌زیست در جهان امروز در جمع مسائل بزرگ قرار گرفته، و سیر قهقرایی آن به گونه‌ای است که از چند دهه پیش به این سو زنگ‌های هشدار و خطر را در سراسر جهان به صدا درآورده است.

بسیاری از کشورهای جهان این هشدار و خطر را متوجه شده‌اند، و به پیامدهای بد اخلاقی و رفتار نابخردانه با طبیعت و محیط‌زیست پی برده‌اند. همین باعث شده است که این دست کشورها، چه در عرصه داخلی، چه منطقه‌ای، چه

بین‌المللی، در پی حفاظت و نگهداری از محیط‌زیست، و در موارد ممکن ترمیم و بازگرداندن آن به شرایط پیش از تخریب برآیند. تصویب قوانین، مقررات، کنوانسیون‌ها، اعلامیه‌ها، منشورها و دیگر اسناد مربوط به محیط‌زیست از جمله اقداماتی است که در جهان امروز برای حفاظت از محیط‌زیست انجام گرفته است. همچنین به لحاظ ذهنی و در عرصه باورها و پنداشت‌ها نیز نگاه به طبیعت و محیط‌زیست و اجزاء جاندار و بی‌جان آن دگرگون شده و بشر رفته‌رفته، به جای اینکه نگاهی صرفاً بهره‌ورانه به طبیعت و محیط‌زیست داشته باشد، به سوی به رسمیت شناختن ارزش ذاتی طبیعت و محیط‌زیست میل می‌کند. استقبال از مفهوم توسعه پایدار که محیط‌زیست در آن نقشی محوری دارد موجب شده که امروزه در جهان به توسعه و رشد اقتصادی به صورتی مشروط نگریده شود؛ به گونه‌ای که اکنون آن توسعه‌ای پسندیده و پذیرفتنی است که حفظ محیط‌زیست، و حقوق نسل‌های حال و آینده در آن لحاظ شده باشد.

جدای از رشته حقوق محیط‌زیست، در شاخه‌های دیگر علم حقوق نیز محیط‌زیست هر روز بیش از گذشته مورد توجه قرار می‌گیرد، زیرا تخریب و نابودی آن به صورت‌های مختلفی به نقض حق‌های<sup>۱</sup> فردی و اجتماعی می‌انجامد. حقوق بشر که تدوین و تثبیت آن از جمله مهم‌ترین دستاوردهای بشر در سده گذشته است،

---

۱. از آنجا که واژه «حقوق» در زبان فارسی هم بر علم «حقوق» (law) دلالت دارد، و هم بر جمع واژه «حق» (right)، در این ترجمه سعی شده است این تمایز به طور کاملاً نظام‌مند - ولی به دور از افراط - منعکس گردد. از این رو، واژه rights عمدتاً به صورت «حق‌ها» ترجمه شده است تا از علم «حقوق» (law) متمایز شود؛ اما rights در عباراتی مانند حقوق بشر، حقوق حیوانات، حقوق کودک، حقوق نسل‌های حال و آینده... که تابع فرمول «حق‌های n + نام دارندگان حق‌های n» هستند به صورت «حقوق» ترجمه شده است، زیرا اولاً ترکیباتی مانند حق‌های بشر، حق‌های کودک،... نامتداول بودند، و ثانیاً در این موارد ابهامی وجود نداشت. اما در عباراتی نظیر حق‌های بشری و حق‌های زیست‌محیطی،... که تابع فرمول «حق‌های + صفت» هستند از خود واژه «حق‌های» استفاده شده است تا از برخی ابهامات یا ناهماهنگی‌های بافتی پرهیز شود - و.

در چارچوب اسناد مهمی متجلی شده که از آن جمله می‌توان اشاره کرد به «اعلامیه جهانی حقوق بشر»، میثاق بین‌المللی حق‌های مدنی و سیاسی، میثاق بین‌المللی حق‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و شمار زیادی کنوانسیون بین‌المللی و منطقه‌ای. بسیاری از مفاد اسناد حقوق بشری به گونه‌ای است که اجرای آنها بستگی دارد به محیط‌زیست، سرزندگی و جلوگیری از تخریب و نابودی آن. از این رو، برخی از پژوهشگران در پی آن بوده‌اند که با ایجاد پیوندی میان این مفاد و محیط‌زیست، حق‌های جدیدی را مطرح کنند. لیندا حجّار لیب، نویسنده حقوق بشر و محیط‌زیست: دورنمای فلسفی، نظری و حقوقی هم همین هدف را دارد. او کوشیده است که از رهگذر بررسی مفاد مشخصی از دو میثاق حق‌های مدنی و سیاسی و میثاق حق‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به انگاره جدیدی دست یابد که سرانجام می‌تواند پایه میثاق سومی به نام «میثاق حق‌های زیست‌محیطی» قرار گیرد.

این کتاب از نادر کتاب‌هایی است که با نگاهی فلسفی، نظری و حقوقی به کاوش پیوند حقوق بشر و محیط‌زیست می‌پردازد. حتی اگر خوبی‌ها و امتیازهای دیگر کتاب حاضر را به کناری بگذاریم، همین رویکرد کتاب، آن را برای دانشجویان و دانشوران حقوق در کشور ما تبدیل به کتابی ممتاز می‌کند، بدین دلیل که، به طور کلی، دانش فلسفی و نظری ما در زمینه حقوق، آن گونه که پیچیدگی فزاینده مسائل حقوقی اقتضا می‌کند، پرورده نمی‌شود. از نظر دیگری نیز این کتاب برای دانشجویان و علاقه‌مندان حقوق سودمند است و آن این است که نویسنده آن در آغاز، با نگاهی تاریخی، ریشه‌های تخریب و تباهی محیط‌زیست را بررسی کرده است. اهمیت چنین نگاهی در این است که تا ریشه‌های مسئله‌ای مشخص نباشد - به ویژه برای دانشجویان رشته‌ای چون حقوق - دانشی که فرد درباره آن فرامی‌گیرد ژرف نمی‌شود و به علم تبدیل نمی‌شود، و از این رو او را به یافتن راه‌حل(های) آن مسئله برنمی‌انگیزد. همچنین حرکتی که در این کتاب از حق‌های بشری به حق‌های زیست‌محیطی شده، و پیوند و رابطه دوسویه‌ای که میان آنها برقرار شده است، در فهم ما از مسائل زیست‌محیطی جهان - و در مقیاس ملی، مسائل زیست‌محیطی کشور

خودمان - بسیار مهم است؛ چه اینکه به ما گوشزد می‌کند که تخریب جنگل‌ها، آلوده کردن رودها، تالاب‌ها و دریاها، تجاوز به حریم طبیعت، شکار جانوران، تاراج سفره‌های آب‌های زیرزمینی، و... فقط تخریب طبیعت و محیط‌زیست نیست، بلکه نقض حقوق مختلف فردی و جمعی ما و نادیده گرفتن ارزش ذاتی اجزاء طبیعت و محیط‌زیست و حق آنها برای بقاست.

به سبب باوری که به نقش ترجمه کتاب‌های خوب در تقویت و بالندگی زبان فارسی دارم، در زمان تحصیل در دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، درباره ترجمه چند کتاب از دکتر ژانت الیزابت بلیک نظر خواستم. خانم دکتر بلیک، ضمن بیان دیدگاه‌شان درباره کتاب‌های مورد نظر من، این کتاب را به من معرفی کردند و آن را سودمند دانستند. پس از مطالعه این کتاب، بی‌درنگ تصمیم به برگرداندن آن به زبان مشترک ایرانیان گرفتم، و اکنون خرسندم که این کتاب سودمند به این زبان در دسترس دانشجویان حقوق و دیگر علاقه‌مندان به حقوق بشر و محیط‌زیست قرار دارد. از این رو، از استادم خانم دکتر بلیک سپاسگزاری ویژه می‌کنم، هم به سبب معرفی این کتاب به من، هم به سبب همه آن چیزهایی که از ایشان آموختم. از استادان دیگرم در دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، به ویژه آقای دکتر محمدحسین رضوانی قوام‌آبادی، دکتر محسن عبدالهی، دکتر محمدحسن حبیبی، دکتر میرشهبیز شافع و دکتر ضرغام غریبی نیز بسیار سپاسگزارم.

از مسئولان محترم سازمان سمت، به ویژه معاونت محترم پژوهشی، جناب آقای دکتر حسین هاجری، و مدیر محترم گروه حقوق این سازمان، جناب آقای دکتر باقر انصاری که پذیرای این کتاب شدند، داوران محترم کتاب که نکته‌های اصلاحی سودمندی را متذکر شدند، ویراستار محترم کتاب، خانم مریم جابر، و دست‌اندرکاران محترم چاپ کتاب در سازمان سمت به ویژه خانم میچکا کتاب‌الله‌زاده، و خانم افسانه علیزاده که به ترتیب مسئولیت روخوانی و کنترل نهایی، و صفحه‌آرایی نهایی این کتاب را بر عهده داشتند نیز بسیار سپاسگزارم. از خانم مریم فلاح شجاعی، کارشناس محترم گروه حقوق سازمان سمت، که در انجام

کارهای اداری چاپ کتاب از آغاز تا پایان کوشا بودند، نیز بسیار سپاسگزارم. دوستم دکتر علی صالحی فارسانی در گزینش برخی اصطلاحات یا واژه‌ها طرف مشورت من بوده، و بی‌گمان در گزینش اصطلاح یا واژه بهتر سهم داشته است. از این رو، از ایشان هم ممنونم.

این کتاب برای دانشجویان و دانشوران گرایش‌های مختلف حقوق، علوم سیاسی، محیط‌زیست، فلسفه و علوم اجتماعی سودمند، و دربردارنده اندیشه‌ها و نکته‌های نو است. مترجم از خوانندگان گرامی کتاب، به ویژه استادان و دانشجویان ارجمند، خواهشمند است که نکته‌های اصلاحی خود را از راه رایانامه زیر، به اینجانب متذکر شوند.

دکتر رضا امینی

تهران / بهار ۱۳۹۶

[iranamini@msn.com](mailto:iranamini@msn.com)

## مقدمه

«ما موجودات یک‌بار مصرف نیستیم. ما گل‌های اهداشده در پای محراب سود و قدرت نیستیم. ما شعله‌هایی رقصنده‌ایم، شعله‌هایی که قصدشان استیلا بر تاریکی است. ما کسانی را که تهدیدی علیه بقای سیاره ما و افسون‌گری و رمز و راز زندگی هستند به مبارزه می‌طلبیم.»<sup>(۱)</sup> رشیده بی،<sup>۱</sup> بوپال، هند

بشر در سراسر جهان با چالش‌های زیست‌محیطی عظیمی اعم از گرمایش زمین، آلودگی، از دست رفتن تنوع زیستی، جنگل‌زدایی و بیابان‌زایی روبه‌روست. بحران اکولوژیکی فزاینده‌ای که نسل ما شاهد آن است حتی ممکن است از این هم بدتر شود. بر پایه «گزارش لیوینگ پلنت»<sup>۲</sup> (۲۰۰۶)، «توانایی باززایی [زمین] دیگر با میزان تقاضایی که از آن می‌شود هم‌سنگ نیست - سرعت ساکنان زمین در تبدیل منابع به زباله، سریع‌تر از سرعت طبیعت در تبدیل دوباره زباله‌ها به منابع است. بشر امروزه دیگر با هزینه‌کرد منافع حاصل از طبیعت گذران زندگی نمی‌کند، بلکه در حال خرج کردن اصل سرمایه است.»<sup>(۲)</sup> تا به امروز، موضوعات زیست‌محیطی جهانی غالباً با توجه به سازوکارهای موجود در حقوق بین‌الملل محیط‌زیست مورد توجه قرار

---

۱. رشیده بی (Rachida Bee) یکی از ساکنان شهر بوپال (Bhopal) هند و از نجات‌یافتگان حادثه نشت گاز سمی کارخانه آمریکایی «یونیون کارباید» است. او و همکارش شوکلا (Champa Devi Shukla) کارزاری بین‌المللی برای دفاع از حقوق جامعه‌اش به راه انداختند و به پاس دو دهه فعالیت، در سال ۲۰۰۴ برنده جایزه زیست‌محیطی گلدمن شدند - و. منبع: <https://www.earthrights.org/legal/bhopal-survivors-win-2004-goldman-prize>. [26 Oct. 2016]  
۲. Living Planet: سیاره زنده.

گرفته‌اند. با این حال، حتی با وجود انبوهی از معاهدات و اعلامیه‌های زیست‌محیطی بین‌المللی و نیز قوانین و سیاست‌های زیست‌محیطی ملی،<sup>(۳)</sup> ممکن است این پرسش مطرح شود که برای معکوس کردن جریان تخریب اکوسیستم‌های طبیعی و حمایت از انسان، به ویژه حمایت از محروم‌ترین و آسیب‌پذیرترین جوامع در برابر آثار ویرانگر تاراج محیط‌زیست، چه کار دیگری می‌توان انجام داد.

البته، راه‌های مختلفی برای حل مسئله جهانی و بسیار پیچیده تخریب محیط‌زیست وجود دارد. در حالی که هدف نخست حقوق محیط‌زیست مقررات‌گذاری فعالیت‌های زیست‌محیطی است، نظام حقوق بشر به طور بالقوه می‌تواند آثار تخریب محیط‌زیست بر انسان را مورد توجه قرار دهد. نظام حقوق بشر سازوکارهای حقوقی و فراحقوقی<sup>۱</sup> پیچیده‌ای را به دست می‌دهد که هم برای مقابله با تأثیر شدید فعالیت‌های انسان بر محیط‌زیست، و هم برای مقابله با پیامدهای حقوق بشری تخریب اکولوژیکی لازم هستند. سه دلیل اصلی برای مطرح کردن دغدغه‌های زیست‌محیطی در قلمرو حقوق بشر عنوان می‌شود. دلیل نخست این است که قلمرو حقوق بشر دارای سازوکارها و روش‌های منحصربه‌فردی است که با توانمند ساختن دولت‌ها، مردم و افراد برای حمایت از منافع حقوق بشر و اکوسیستم‌ها، حفاظت از محیط‌زیست را تقویت می‌کند. وارد کردن دغدغه‌های زیست‌محیطی در سنت حقوق بشر، واکنشی است به ناتوانی حقوق بین‌الملل محیط‌زیست و سیاست بین‌المللی، و نیز مراجع اداری شهری و مراجع قانون‌گذاری، که نتوانستند به تنهایی این مسائل حیاتی را حل کنند. دلیل دوم این است که موضوعات زیست‌محیطی که تاکنون در انحصار سیاست‌گذاران بوده‌اند، به صورت روزافزونی به موضوع مهمی برای طرفداران حقوق بشر، قضات و دیگر ذی‌نفعان در این موضوعات تبدیل می‌شوند. حق‌های زیست‌محیطی<sup>۲</sup> ابزار قدرتمندی را در اختیار فعالان حقوق بشر، محیط‌زیست‌گرایان<sup>۳</sup> و قربانیان تخریب زیست‌محیطی می‌گذارند

---

1. extra-legal  
2. environmental rights  
3. environmentalists

تا آنها بتوانند با آن بر «دیوار حاکمیت» [دولت] غالب آیند، دیواری که غالباً به عنوان مانعی در برابر توجه دولت به هر گونه مسئولیتی برافراشته شده است. شاخه حقوق بشر رشته حقوق بین‌الملل، بر خلاف دیگر شاخه‌های حقوق بین‌الملل، با موضوعاتی سروکار دارد که بین افراد یا گروه‌هایی از افراد و یک دولت ناقض به وجود می‌آید، چه این دولت، دولت کشور متبوع آنها باشد، چه دولت کشوری باشد که شهروند آن هستند، چه دولت یک کشور خارجی باشد. دلیل سوم این است که رویکردهای حقوق بشری به موضوعات زیست‌محیطی، هم در حقوق بین‌الملل و هم در حقوق داخلی رواج می‌یابند. در سال ۲۰۰۸، «شورای حقوق بشر سازمان ملل» رسماً اعلام کرد که تغییر اقلیم موضوعی حقوق بشری است.<sup>(۴)</sup> در عین حال، در بسیاری از اسناد حقوق بشری منطقه‌ای و قانون اساسی‌های ملی، حقوق بشر زیست‌محیطی، البته به صورت‌های مختلف، صراحتاً به رسمیت شناخته شده‌اند، و البته چنین گزاره‌های نوظهوری درباره این حق‌ها بحث‌های داغی را درباره تعریف، قلمرو، ماهیت و اجرای آنها به دنبال داشته است.

این کتاب سه هدف اصلی دارد. هدف نخست آن بررسی پیدایش و توسعه حق‌های زیست‌محیطی (یا حق بر محیط‌زیست)<sup>(۵)</sup> در حقوق بین‌الملل و بحث درباره بنیان‌های فلسفی، نظری و حقوقی آنهاست. هدف دوم آن کوشش در جهت تعیین قلمرو و محتوای «حق بر محیط‌زیست» در بستر توسعه پایدار،<sup>۲</sup> و مفهوم حق‌های همبستگی<sup>۳</sup> است. هدف سوم کتاب، که مهم‌ترین هدف آن نیز هست، بررسی و کاوش تأثیر بالقوه حق‌های نوظهور محیط‌زیستی بر نظام بین‌المللی حقوق بشر است. در این بررسی، به دو دسته از مفاهیم توجه می‌شود: نخست، امکان آشتی دادن اخلاق زیست‌محیطی<sup>۴</sup> و دکترین حقوق بشر، و دوم پیوندهای نظری و عملی مفاهیم توسعه، دموکراسی، محیط‌زیست و توسعه پایدار. بر این اساس، پرسش‌های

---

1. Right to Environment  
2. sustainable development  
3. solidarity rights  
4. environmental ethics



پژوهشی مبتنی بر اهداف مذکور در سه سطح تحلیلی بررسی شده‌اند (شکل ۱):

• مبانی فلسفی و نظری به‌هم‌پیوستگی متقابل حقوق بشر و محیط‌زیست چیست؟

• مفهوم «حق بر محیط‌زیست» به عنوان حقی جهانی، چگونه با مؤلفه‌های توسعه پایدار، و نسل سوم حقوق بشر قابل جمع شدن است؟

• ماهیت این حق(های) نوظهور چیست، و قلمرو آن(ها) کجاست؟ آیا آنها به یک «حق بر محیط‌زیست» اشاره دارند، یا به چندین حق زیست‌محیطی؟

• هدف از قائل شدن به حق متمایزی به نام «حق بر محیط‌زیست» در شرایطی که حقوق بشر قوام‌یافته‌ای وجود دارد و غالباً در موارد مربوط به محیط‌زیست نیز مورد استفاده قرار می‌گیرد، چیست؟

نکات زیر، در طی این بحث، به روشن شدن مفهوم «حق بر محیط‌زیست» کمک می‌کنند:

#### ۱. تعریف و محتوای «حق بر محیط‌زیست»

ابهام و انعطاف‌پذیری موجود در ادعاها و حق‌های زیست‌محیطی و اجزاء زنده و غیرزنده آن نقشی اساسی در بحث مربوط به پیوندهای بالقوه حقوق بشر و محیط‌زیست دارد. به منظور روشن شدن موضوع، من اصطلاح «حقوق بشر زیست‌محیطی»<sup>۱</sup> را برگزیده‌ام که با مفهوم گسترده‌اش دربرگیرنده بسیاری از اصطلاحاتی است که در رویکردهای حقوق بشری به موضوعات زیست‌محیطی مبتنی بر استفاده پایدار،<sup>۲</sup> نگهداری و ترمیم اکوسیستم‌ها به کار رفته‌اند. در سراسر این کتاب، به حق‌های جزئی‌تری چون حق بر محیط‌زیست پاک<sup>۳</sup> یا حق بر محیط‌زیست سالم<sup>۴</sup> اشاره شده است. چنین حق‌هایی یا در آثار نویسندگان و پژوهشگران، و یا در اسناد منطقه‌ای و قوانین اساسی کشورها به کار رفته‌اند. افزون بر

1. environmental human rights  
2. sustainable use  
3. right to clean environment  
4. right to healthy environment

این، من پیشنهاد می‌کنم که «حق بر محیط‌زیست» به طور مجزا، و به عنوان یکی از حق‌های همبستگی، همانند حق بر توسعه که جایگاه رسمیت یافته‌ای دارد، در حقوق بین‌الملل مورد توجه قرار گیرد. روابط میان «حق بر محیط‌زیست» به مثابه یکی از حق‌های همبستگی، حق بر توسعه، حقوق بشر زیست‌محیطی و دیگر حقوق بشر در فصل چهارم به تفصیل توضیح داده شده است. با این همه، این کتاب در پی آن نیست که تعریف جامع و مانعی از حق‌های زیست‌محیطی به دست دهد، چراکه چنین هدفی غیرواقع‌بینانه است، بلکه چارچوب‌های اولیه‌ای را مشخص خواهد کرد که می‌توان از آنها برای ارائه تعریف روشن‌تری از این اصطلاح در مباحث آینده بهره گرفت.

## ۲. انسان‌محوری در برابر محیط‌زیست‌محوری<sup>۱</sup>

دوگانه انسان‌محوری - محیط‌زیست‌محوری دو خط فکر اصلی اخلاق زیست‌محیطی را نشان می‌دهد. در حالی که در انسان‌محوری بر مرکزیت انسان در حمایت و حفاظت از محیط‌زیست تأکید می‌شود، در محیط‌زیست‌محوری از این اندیشه طرفداری می‌شود که از موجودات غیرانسان و موجودات دیگر، فارغ از منافعی که برای انسان دارند، باید به سبب ارزش ذاتی خودشان حمایت شود. من، با بهره‌گیری از مفهوم محیط‌زیست‌محوری، پیشنهاد می‌کنم که حق طبیعت<sup>۲</sup> به عنوان بُعد محیط‌زیست‌محور<sup>۳</sup> حقوق بشر زیست‌محیطی، وارد آن شود. به رغم استیلای معمول بُعد انسانی بر گفتمان حقوق بشر، حقوق بشر زیست‌محیطی ویژگی‌های خاص خود را دارد. پیوند ناگسستنی انسان و اکوسیستم‌ها موجب شده است که این حق‌ها از دیگر حق‌های بشری، محیط‌زیست‌محورتر باشند (یا انسان‌محوری مطلق آنها کمتر باشد).

## ۳. حوزه پوشش [مسائل زیست‌محیطی]

مسائل زیست‌محیطی غالباً فراملی هستند، چراکه معمولاً وابستگی‌های متقابلی را

---

1. anthropocentrism versus ecocentrism  
 2. right of nature  
 3. ecocentric dimension

بازتاب می‌دهند که مبتنی بر جغرافیای طبیعی هستند نه سیاسی. گرمایش زمین یکی از نمونه‌های درخور توجه از مسائل پیچیده علمی و اجتماعی - سیاسی تهدیدات اکولوژیکی جهانی است. حقوق بین‌الملل یکی از مجراهای حقوقی است که از طریق آن دولت‌ها می‌توانند با هم همکاری کنند. کثرت موافقت‌نامه‌های بین‌المللی چندجانبه پس از جنگ جهانی دوم نشان‌دهنده تعهد جامعه بین‌المللی برای توجه به مسائل زیست‌محیطی است. با این همه، به استثناء چند نمونه بارز، همچون کاهش لایه اُزن، این روند، در [حوزه] قانون‌گذاری بین‌المللی، تأثیر عملی محدودی بر وضعیت محیط‌زیست داشته است.<sup>(۶)</sup> حاکمیت ملی و بازار جهانی موانع عمده توسعه حقوق بین‌الملل محیط‌زیست هستند. از برخی جهات، این موانع دلایل خوب و معتبری را برای وجود حقوق بین‌الملل محیط‌زیست فراهم می‌کنند، زیرا از دیرباز این تصور وجود داشته است که گفتمان حقوق بشر توانایی نفوذ در مرزهای حاکمیتی را دارد. آلودگی، جنگل‌زدایی بسیار گسترده و تخلیه غیرقانونی زباله‌های سمی نتایج فرامرزی زیان‌باری دارد و باید در سطح بین‌المللی به آنها پرداخته شود. با این همه، این کتاب حق‌های زیست‌محیطی را نه به عنوان جایگزینی برای حقوق بین‌الملل محیط‌زیست، بلکه به عنوان ابزاری تکمیلی برای اسناد و اصول موجود ارائه می‌دهد. به همین ترتیب، رویکرد حقوق بشری به محیط‌زیست نمی‌تواند همه لوازم اساسی ضروری برای حفظ و بهبود اکوسیستم‌های پویا<sup>۱</sup> را در سراسر جهان فراهم کند، هرچند که ارائه این لوازم مهم است.

#### ۴. نسل سوم حقوق بشر یا حق‌های همبستگی

اینکه آیا باید محیط‌زیست را در درون حقوق بشر سنتی جای دهیم، یا اینکه نظریه [حقوق بشر] را آنقدر گسترش دهیم که دربرگیرنده نسل سوم حقوق بشر نیز بشود، پرسشی کلیدی برای به رسمیت شناختن و اجرای حق‌های زیست‌محیطی در آینده است. به نظر کارل وِسک، حقوق‌دان چک - فرانسوی که مبدع اصطلاح «نسل سوم»

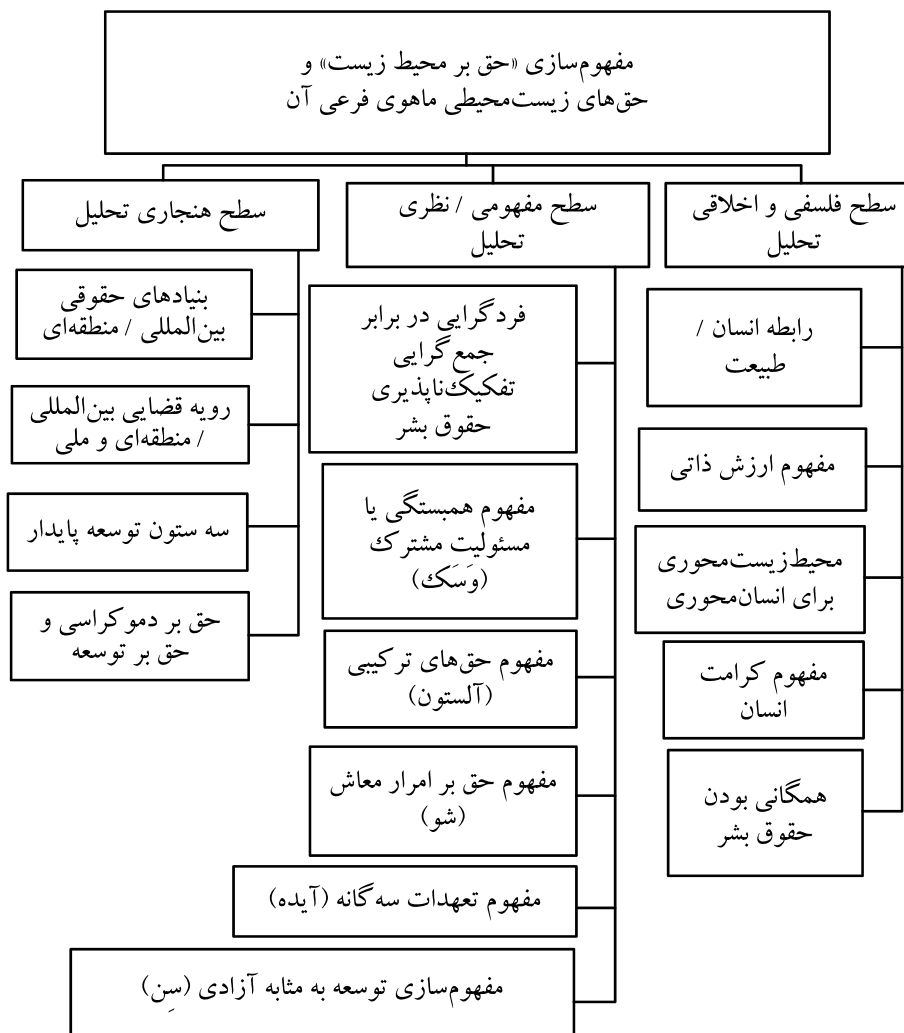
1. functioning ecosystems

حقوق بشر است، نسل نخست حقوق بشر عبارت است از بازتابی از لیبرالیسم و فردگرایی که در بردارنده «حق‌های مدنی و سیاسی» چون حق زندگی و حق آزادی بیان است.<sup>(۷)</sup> نسل دوم حقوق بشر که در پیوند با نظریه مارکسیستی و سوسیالیسم است «حق‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی» چون حق بر سلامت و حق بر آموزش و پرورش را شامل می‌شود. حقوق نسل سوم که به عنوان حق‌های همبستگی یا حق‌های جمعی<sup>۱</sup> شناخته می‌شوند مشتمل‌اند بر دسته جدیدی از حق‌ها نظیر حق بر توسعه و حق بر محیط‌زیست.<sup>(۸)</sup> به سبب ماهیت جمعی این دسته حق‌های نوپا و گسترده‌گی مسائلی که بدان می‌پردازند، تضمین اجرایی این حق‌ها نیازمند مشارکت بسیار بیشتر جامعه بین‌المللی است.<sup>(۹)</sup> از این رو، من میان «حق‌های زیست‌محیطی» بین‌المللی به عنوان یکی از حق‌های همبستگی، و مجموعه معتابه حق‌های زیست‌محیطی که در دادگاه‌ها می‌توان درباره آنها حکم صادر کرد، تمایز قائل می‌شوم.

##### ۵. توسعه پایدار به عنوان یک چارچوب مفهومی

بررسی نقش تسهیل‌کننده یا بازدارنده توسعه پایدار در به رسمیت شناختن حق‌های زیست‌محیطی بین‌المللی، در روشن شدن مفاهیم مؤثر است. از زمان ارائه «گزارش برونتلند»<sup>۲</sup> در «کمیسیون جهانی محیط‌زیست و توسعه»<sup>(۱۰)</sup> (۱۹۸۷) تاکنون، مباحث توسعه پایدار قلمرو حقوق محیط‌زیست را فرا گرفته است، اما گسترده‌گی این مفهوم در اهداف آن ابهام ایجاد کرده است. تمرکز خاص «اعلامیه ریو» بر توسعه پایدار، این تصور را ایجاد کرد که شاخه جدیدی در حقوق بین‌الملل شکل گرفته است که جایگزین حقوق بین‌الملل محیط‌زیست خواهد شد. در سراسر این کتاب، بن‌مایه فکری توسعه پایدار و اصول حقوقی نوظهور مربوط به آن، به مثابه پارادایم جدیدی است برای توسعه جهانی، منطقه‌ای، ملی و محلی. با وجود این، تحلیل عمیق مباحثات و تفسیرهای موجود درباره پارادایم جدید توسعه پایدار از حوصله این کتاب بیرون است.

1. collective rights  
2. Brundtland



شکل ۱ سه سطح تحلیل

به منظور فراهم کردن عناصر لازم برای مفهوم سازی حق بر محیط زیست و حق های زیرمجموعه آن، من از رشته ها و دانش های گوناگونی شامل تاریخ فلسفه زیست محیطی، اخلاق زیست محیطی، حقوق بشر و توسعه پایدار بهره خواهم گرفت. شناخت هم افزایی ها و/یا ناسازگاری های این مفاهیم اطلاعاتی را درباره سه سطح تحلیلی مشهود در شکل ۱ به دست می دهد. بدیهی است که ماهیت میان رشته ای این پژوهش ریشه در بررسی این رشته ها دارد. از طریق این سطوح تحلیلی می کوشم که

دربارهٔ ابعاد فلسفی، اخلاقی و هنجاری مقررات قانونی نوظهوری که در اینجا به عنوان حق‌های زیست‌محیطی شناخته می‌شوند به درکی کل‌گرا و بینشی دقیق برسیم. همان‌گونه که در شکل ۱ دیده می‌شود، نخستین سطح تحلیل مربوط است به بنیان‌های فلسفی و اخلاقی پیوندهای میان حقوق بشر و محیط‌زیست. برای برقراری این پیوندها، من رابطه انسان/طبیعت و دورنماهای اخلاقی مختلفی را می‌کاوم که از بحث فلسفی ناشی می‌شوند. دو مفهوم کرامت انسان و ارزش ذاتی طبیعت در این سطح تحلیل اهمیت ویژه‌ای دارند. دومین سطح تحلیل به نظریه‌ها، برداشت‌ها و مفهومی‌های مختلفی می‌پردازد که مفهوم‌سازی دوسطحی حق‌های زیست‌محیطی و ترکیب‌بندی جدید حقوق بشر پیشنهاد شده در این کتاب را شکل می‌دهند. در این سطح از تحلیل، بنیادهای نظری حقوق بشر بررسی می‌شوند و در این کار از مفاهیم حق‌های ترکیبی،<sup>۱</sup> حق‌های پایه<sup>۲</sup> و تعهدات سه‌گانه استفاده می‌شود. روابط متقابل میان مفاهیم توسعه، محیط‌زیست و دموکراسی در پیوند با توسعه پایدار، مفهوم همبستگی و حق‌های نوظهور زیست‌محیطی بررسی شده‌اند. سومین سطح تحلیل، معرف بنیادهای هنجاری حق‌های زیست‌محیطی در اسناد بین‌المللی / منطقه‌ای، تصمیمات قضائی و سه رکن توسعه پایدار است.

این کتاب به دو بخش تقسیم شده است؛ بخش نخست به بررسی دو مؤلفه حق‌های زیست‌محیطی می‌پردازد: محیط‌زیست و حقوق بشر. فصل اول مشتمل است بر بررسی ریشه‌های مسائل اکولوژیکی ما، ظهور محیط‌زیست‌گرایی و مفاهیم اصلی اخلاق زیست‌محیطی، و شرح مسئله رابطه انسان و طبیعت، و تأکید بر بنیادهای فلسفی و اخلاقی رویکردهای مبتنی بر حقوق بشر به موضوعات زیست‌محیطی. فصل دوم مشتمل است بر بیان مجمل ویژگی‌های مفهوم حقوق بشر و مباحثات مربوط به آن، و تأکید بر معیارهایی که به ما کمک می‌کنند تشخیص دهیم چه مطالباتی را می‌توان جزء حقوق بشر به شمار آورد. در بخش دوم کتاب، با استفاده از نظریه‌ها،

---

1. synthetic rights  
2. basic rights

مفهوم‌ها و تصورات بررسی شده در بخش نخست، شالوده‌های نظری و مفهومی حقوق بشر زیست‌محیطی نوظهور فراهم و توجیه می‌شود. در فصل سوم، چارچوب نظری جدل‌های علمی و دانشگاهی مربوط به حق بر محیط‌زیست ارائه می‌شود و روند تکامل حق‌های زیست‌محیطی پیگیری می‌گردد. فصل چهارم مشتمل است بر یک مفهوم‌سازی ابتکاری از حق‌های زیست‌محیطی، و یک ترکیب‌بندی جدید از نظام حقوق بشر با توجه به توسعه پایدار و حق‌های همبستگی. در این فصل تأکید می‌شود که رویکردهای معاصر به حقوق بشر و محیط‌زیست، اکنون در گفتمان توسعه پایدار جای می‌گیرند؛ چراکه از زمان «اجلاس ژوهانسبورگ»<sup>۱</sup> و در «اهداف توسعه هزاره»<sup>۲</sup>، تأکید بر کاهش فقر بوده است که ارتباط روشنی با حق‌های سیاسی، مدنی، اقتصادی و اجتماعی تثبیت شده دارد.

### پی‌نوشت‌ها

1. EarthRights International, "Bhopal Survivors Win 2004 Goldman Prize," [http://www.earthrights.org/index2.php?option=com\\_content&do\\_pdf=1&id=80](http://www.earthrights.org/index2.php?option=com_content&do_pdf=1&id=80).
2. World Wildlife Fund International (WWF) and Global Footprint Network. "Living Planet Report 2006," [http://assets.panda.org/downloads/living\\_planet\\_report.pdf](http://assets.panda.org/downloads/living_planet_report.pdf).
۳. در واقع، حقوق بین‌الملل محیط‌زیست شاخه‌ای از حقوق بین‌الملل است که بیشترین سرعت تحول را در میان شاخه‌های دیگر آن دارد. این شاخه متشکل از «حدود ۳۵۰ معاهده چندجانبه، ۱۰۰۰ معاهده دوجانبه و انبوهی از اسناد سازمان‌های بین‌الدولی است که به صورت اعلامیه، برنامه عمل و قطعنامه به تصویب رسیده‌اند.» رجوع کنید به: *Final Report Prepared by the Special Rapporteur on Human Rights and Environment, Fatma Zohra Ksentini, Commission on Human Rights, UN Doc E/CN.4/Sub.2/1994/9*. تا سال ۲۰۰۵، «دفتر ثبت معاهدات بین‌المللی و دیگر موافقت‌نامه‌های برنامه محیط‌زیست سازمان ملل» بر پایه اطلاعاتی که به دبیرخانه «برنامه محیط‌زیست سازمان ملل» ارائه شده، کلاً ۲۷۲ معاهده بین‌المللی و اسناد مربوط به آنها (همچون اصلاحیه‌ها) را برشمرده است. رجوع کنید به: *Register of International Treaties and Other Agreements in the Field of the Environment, UN Doc UNEP/Env.Law/2005/3 (2005)*.
4. *Draft Resolution on Human Rights and Climate Change, UNHRC, 7th sess, UN Doc A/HRC/7/Rev.1 (2008)*.

1. Johannesburg Summit
2. Millennium Development Goals

۵. به سبب تعدد اصطلاحاتی که در زمینه پیوند دادن حقوق بشر با محیط‌زیست وجود دارد، من در آغاز حقوق بشر زیست‌محیطی و حق بر محیط‌زیست را به جای هم به کار می‌برم. اما در فصل چهارم این کتاب بین این دو اصطلاح تمایز قائل می‌شوم، و پیشنهاد می‌کنم که یک «حق بر محیط‌زیست» در سطح بین‌المللی، همانند حق بر توسعه، پذیرفته شود.

6. Rajendra Ramlogan, "The Environment and International Law: Rethinking the Traditional Approach," *Vermont Journal of Environmental Law* 3(2001-2002), [http://www.vjel.org/journal/VJEL\\_10008.html](http://www.vjel.org/journal/VJEL_10008.html).
7. Karel Vasak, "Pour Une Troisième Génération Des Droits De L'homme," in *Études Et Essais Sur Le Droit International Humanitaire Et Sur Les Principes De La Croix- Rouge En L'honneur De Jean Pictet* (Comité International de la Croix- Rouge 1984).
8. Prudence E. Taylor, "From Environmental to Ecological Human Rights: A New Dynamic in International Law?" *Georgetown International Environmental Law Review* 10(1998): 317-19.
9. Ibid., 319.
10. The World Commission on Environment and Development, *Our Common Future* (Oxford: Oxford University Press, 1987).